

نگاہ ہم میهن

برجام و ماشه

پارادوکس تندروها

در حاشیه صحبت های حسن روحانی



مهرداد خدیر

معاون سردبیر

اشماکه کی گویند بر جام خیلی بد بوده، شما که می گویند
کل کارهای قبل خیلی خوب بوده، بسبیل خوب! شما ۶ قطعنامه
گرفتید. می گویند خوب بوده! حالا هر می گویند به همان
دیگر! اصلاً بر می قیل از سال ۹۴. شما که می گویند
کل قطعنامه‌ها اصلاً از پیش ندارد و اغذیره است. شما چه
می گویند! شما که ۶ قطعنامه را اغذیره می دانید، شما که
کل بر جام را بد می دانید، شما دیگر سبیل نباشید!»

خواننده به سادگی می‌تواند حدس بزند گوینده این جملات کیست: حسن روحانی، رئیس‌جمهوری پیشین ایران است و خطاب و عتاب او به‌جانب مخالفان و منتقدان برجام که این روزها به خاطر مکانیسم ماشه یا اسنپک (پس‌گشت یا بازگشت ناگهانی به پیشین‌جام) زبان به انتقاد گشوده اند و فریاد و ابر جاسر می‌دهند! سخن او روشن است. می‌گوید اگر برجام بد است چرا از بازگشت به پیش‌جام باز نخرسندید و مگر اسنپک بازگشت به همان ۶ قطعنامه مصوب شورای امنیت سازمان ملل ۱۹۶۹، ۱۸۴۷، ۱۸۳۵، ۱۸۰۳، ۱۷۷۹، ۱۶۹۶ نیست؟ با این صاف شما دیگر چرا ناز انائید؟ می‌رنگی نمی‌خواستند اشت بزنند یا خود برجام خلاص شویم؟ حالا که این اتفاق با پس‌گشت از اسنپک رخ دهد چرا عزا می‌گیرند؟ اگر یکی خوش‌حال باشد به نفعده باید آنان باشند ولی ابراز نگرانی و امتحان‌کنندگان و موافقان برجام را سرزنش می‌کنند. حال آن که اگر «خسارت محض» بوده دستاوردی نداشته ماهی را هر گاه از آب بگیري تازه است و مگر کسی از ابطال قراردادهای ترکمانچای و گلستان ناضی می‌شد؟ مکانیسم ماشه یعنی اگر ایران توافق را نقض کرد به صورت خودکار به وضعیت پیش‌جام باز گردیم و قطعنامه ۲۲۳۱ هم که قطعنامه امتحانی می‌سازد بالا نرثوند. در برجام پیش‌بینی شده

▼ مخالفان برجام سکوت کنند

رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم با یادآوری رفتار متناقض جرجان دندیپلماسی در برخورد با برجام، اظهار داشت: «اما یک نکته هم جالب است که این روزها آن‌هایی که اصلاً با برجام کل مخالفت بودند و می‌گفتند: برجام اصلاً درست نبوده، و همه‌اش ضرر و خسارت بوده و اصلاً نفعی نداشته، خب اسنپک گوشه‌ای از برجام را از بین می‌برد، خب شما که می‌گویید کل برجام از بین برود خیلی خوب است، خب این هم یک گوشه‌ای از برجام است، در برجام آمده که در طول این ده سال مفاد همه این قطعنامه‌ها متوقف نمی‌شود، و بعد از ده سال هم به طور کامل از دستور خارج می‌شود، لغو می‌شود، و واقع در چهار ماه مسال به طور کلی قطعنامه‌ها از دستور خارج می‌شود طبق برجام، خب شما که می‌گویید برجام خیلی بد بوده؛ شما که می‌گویید کارهای قبل خیلی خوب بوده، خب شما ۶ تا قطعنامه گرفتید می‌گویید خوب بوده حالا برمی‌گردیم به همان، ما برمی‌گردیم به قبل از سال ۹۱. شما که می‌گویید کل قطعنامه‌ها اصلاً ارزش ندارد، کاغذپاره است. شما چه می‌گویید؟ شما که قطعنامه را کاغذپاره می‌دانید، شما که کل برجام را بد می‌دانید، شما دیگر ساکت باشید.» و ادامه داد: «ما البته معتقدیم ایران در چارچوب تعهدات خودش به درستی عمل کرده، و آنجایی هم که حتی آمریکا برجام خارج شده باز هم مهلت کافی به ۴۰۱ داده، آن‌جایی که در سال ۹۷ به ترتیب داد می‌زدند می‌گفتند بعد از اینکه آمریکا خارج شده ما هم بلافاصله از برجام خارج بشویم و پاره کنیم، آن‌ها دیگر نباید سرشان را بتوانند بالا بیاورند. اگر ایستادگی دولت تدبیر و امید نبود و ما هم بعد از آمریکا از برجام خارج شده بودیم، خب همه قطعنامه‌ها همان در آبرو پشست ۹۷ برگشته بود. این قطعنامه‌ها از رویان تصویب یعنی سال ۲۰۰۲ تا حالا حدود ۲۰ سال است، از این ۲۰ سال ۱۰ سالش را متوقف کرده بودیم، کار بدی کرده ۱۰ سال آن‌ها را متوقف کردیم؟ ۱۰ سال متوقف کردیم حالا می‌خواهد برگردد به قبل از برجام.»

▼ سوزاندن فرصت احیای توافق در ۱۴۰۰

رئیس جمهور پیشین کشورمان با یادآوری وجود فرصت احیای برجام در دوران جوابدین، تأکید کرد: «اگر در سال ۱۴۰۰ یک عده‌ای مانع نمی‌شدند، ما در دوره بایدن به برجام برمی‌گشتیم، که همه چیز هم آماده بود، همه واقفات هم شده بود، امروز نتایجها چیزی به نام اسنبیک نداشتیم بلکه در این مدت حدود ۵۰۰ میلیارد هم ضرر نمی‌کردیم. در این ۴ سال مستقیم و غیرمستقیم ۵۰۰ میلیارد ضرر کردیم. خبر چرا یک عده‌ای نگذاشتند؟ چرا مانع شدند در سال ۱۴۰۰؟ خبر در ۱۴۰۰ اگر ما برمی‌گشتیم به برجام هم از منافع برجام استفاده می‌کردیم هم برجام تثبیت می‌شد هم امروز مشکل اسنبیک نداشتیم و حتی بالاتر می‌خواهیم بگویم، حتی دیگر بهانه جنگ ۱۱ روزه هم وجود نداشت.» او ادامه داد: «این مشکلات، دلگيري پنهان جنگ یک دهه دارد، تا توهمات‌شان جلوی منافع ملی کشور را گرفتند و مشکلاتی در سال ۱۴۰۰ برای ما به‌وجود آوردند و متأسفانه بعد از اواسط ۱۴۰۰ هم در صورت بعدی نتوانستند درست استفاده کنند و مسئله را حل و فصل کنند و ما امروز مشکلات پیدا کردیم؛ یکی اش هم همین است که بر خلاف قواعد، اروپا دارد سواستفاده می‌کند. حالا به‌نظر من تا جایی که می‌توانیم ما نباید گذاریم این قطعه‌ماها برگردد، باید تلاش کنیم و از این فرصت استفاده کنیم. اروپا نباید به‌خاطر مسئله اوکراین از ما انتقام بگیرد. این کار درستی نیست، کار غلطی است. به نفع همه ماست که یک بار دیگر پای میز مذاکره بنشینیم، امروز هم آمادگی هست که هنوز هم فرصت هست که با سه کشور اروپایی با ۴۰ مذاکره کنیم، تا موضوع اسنبیک از دستور شورای امنیت خارج شود و پس بگیرند، این به نفع آن‌ها، به نفع ما و به نفع NPT خواهد بود. امروز هم سه کشور یعنی ایران و روسیه و چین با اسنبیک کاملاً متفقند و مخالفت دولشان را اعلام کردند، آن سه کشور هم بایبند تبعیت کنند تا به راه‌حلی برسیم که آن راه‌حل باز هم برد-برد باشد. راه‌حلی که امروز اروپا در پیش گرفته «املاً باخت-باخت است و به نفع کسی نخواهد بود.»

ضعیت ایران را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی تلقی کرده اعمال اقدامات الزام‌آور طبق ماده ۴۱ را بر همه دولت‌ها واجب می‌سازد.»^{۱۱}

و در باره پیامدهای عظیم فصل هفتم منشور تاکید کرد: «الف- چارچوب حقوقی الزام‌آور جهانی: اسنپک، ایران را دوباره در چارچوب الزام‌آور حقوق بین الملل قرار می‌دهد: ایران مستعمل قلمناهمای قبلی شورای امنیت می‌شود. ب- انزای سیاسی-دیپلماتیک: قرار گرفتن ایران ذیل فصل هفتم و ۱۴، پیامدهای سیاسی و دیپلماتیک شدیدی دارد: هر عضو دائم شورای امنیت می‌تواند با وتو خود مانع خروج ایران شود. ج- پیامدهای اقتصادی امنیتی: با گشتن تحریم‌ها، کشور را فلج و هزینه‌های اقتصادی و امنیتی الزام‌آورانی ایجاد می‌کند: تحریم‌های بانکی، تسلیحاتی، کشتیرانی و فناوری و امنیتی به‌شکل «گسترده و همگانی» و «بدون تاریخ انقضای» اعمال می‌شوند.

براساس مزایای و همکاری‌های اقتصادی، حتی با روسیه و چین، محدود و پیرریسک خواهد شد. تحریم تسلیحاتی و محدودیت‌های موشکی احیا می‌شوند و برنامه‌های دفاعی ایران و «آینده کشور» هدف گرفته می‌شود.»^{۱۲}

سمفونی خطوط



کیوان زرگری

کنسرت خیابانی



عکس نوشت

مشت آخر به زاینده رود

درباره عکسی از برگزاری کنسرت در رودخانه خشکیده

جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

گوسفند را که ذبح می کنند، برای آنکه پوست اش یک تکه و کامل از گوشت جدا شود، کتاله را ن اش را سوراخ می کنند. منفذ که باز شد، در آن فوت می کنند تا گوسفند باد کند. لاشه که از درون پُف کرد، کار پوست کن - تو بخوان قصاب - راحت می شود. مقداری که داد در همه جای لاشه بیفتد، یک مشت محکم به تهیگاه گوسفند سر بریده می کوبند. ظاهراً بریدن، سوراخ شدن، باد شدن و چه و چه کارهای ای ندارد. می گویند تنها چیزی که باعث این عالم ببندد، همان مشت آخر است. همه حرف گوسفند مادر مردم این است: مرا کشتید، فدای سرتان. پوست از گوشتم جدا کردید، نوش جان تان؛ این مشت آخر دیگر چه نکبتی، روزها که به قصه زاینده رود نگاه می کنم، حکایت گوسفند جلوی چشمم می آید. در خبرها دیدم، کنسرت برگزار کنند. نهارتنه خبر آمده که عکس هایی هم از داربست ردن و صندلی چیدن آمده است. دیدن زاینده رود خشک به اندازه کافی قصه پُر غصه ای است. به خصوص که زمانی که ای صفاهن جای دیگری برای برگزاری کنسرت نداشت؛ اصلاً خودتان را یک لحظه جاتی، و ناکارا، میراث گرگیزی پدران مان به بیابان ب آب و علفی تبدیل کردید. هر چند وقت، ملی و قرضی سر لودار باز کردید و همین که جانی به شهر افتاد، شیر را بستید و روز از نوو به زبان نمی آمدید که آقایان، خانم ها، شما خشکم کردید، ناز شست تان. جرمه جرمه آیم رفتید، نوش جان تان؛ کنسرت گذاشتن تان را کجای دل خونم بگذارم؟ یک لحظه به خودتان حالا در همان خانه خراب، عروسی می گیرید. حال صاحبخانه را دریابید.

